

یادداشت

صفر قاسمیانمقدم

شرایط زندگی گرمادیده‌ها را فراموش نکنیم!



در حوزه سیاست گذاری رفاهی تشخیص مسئله یک مولفه بنیادین و مهم‌ترین مرحله برای تصمیم‌گیری است. زیرا خوب دیدن، خوب تشخیص دادن و خوب نشان دادن مسئله می‌تواند به راه‌حل بینجامد.
امادر میان کارگران کوره‌پزخانه اصفهان مشکل این است که هم مسئله و مشکلات کارگران واضح است و هم این مشکلات تشخیص داده شده‌اند و در سالیان اخیر به‌خوبی به سمع و نظر مسئولان رسیده‌اند، اما متأسفانه تاکنون ترتیب اثر چندانی به آن داده نشده است.
واقعیت این است که برخی مشکلات موجود کارگران صنف کوره‌پزی، بیشتر از آنکه به قوانین برگردد به افرادی که قانون را اجرا می‌کنند و به برخی برداشت‌های گاه سلیقه‌ای و در مواردی سختگیرانه‌از قوانین موجودبرمی‌گردد.
یک از این موارد، موضوع حداقل دستمزدهای کارگران کوره‌پزخانه‌ها و دستمزد مبنای کسر حق بیمه این کارگران است. کارگران صنوف مختلف مرتبط با آجرپزی، جزو کارگرانی هستند که به موجب قوانین موجود، مشمول تعیین نرخ سالانه دستمزد مبنای کسر حق بیمه قرار گرفته‌اند. یکی از مسائل این صنف موضوع ماده ۳۵ قانون تأمین اجتماعی است. این ماده به این نکته اشاره می‌کند که سازمان می‌تواند در موارد لزوم با تصویب شورای عالی سسازمان مزد یا حقوق بیمه‌شدگان بعضی از فعالیت‌ها را طبقه‌بندی کند و حق بیمه را به‌ماخذ درآمد مقطوع وصول و کمک‌های نقدی را بر همان اساس محاسبه و پرداخت کند.
مشکل دیگر بیمه‌ای این صنف برمی‌گردد به بیمه‌بیکاری افرادی که در کوره‌پزخانه‌ها فعال بوده‌اند و در برخی موارد بعد از تعطیل شدن کوره‌پزخانه‌ها، به دلایل مختلف، کارگران بیکار شده مشمول دریافت بیمه بیکاری قرار نمی‌گیرند. حل مشکلاتی از این نوع، می‌تواند سبب دلگرمی بیشتر کارگران این رشته شغلی شود.
این گروه از کارگران، در سخت‌ترین شرایط کاری در حال فعالیت هستند و متأسفانه از حداقل حمایت‌ها برخوردارند و انتظار می‌رود که برای حل مشکلات آنان تدابیری جدی اندیشیده شود و نهادهای مسئول با حمایت جدی‌تر، امکان بهره‌مندی آنان از حمایت‌های بیمه‌ای جامع و کامل را فراهم کنند تا آنان ضمن برخورداری از حمایت‌های بیمه‌ای و درمانی، بتوانند با دلگرمی بیشتری نسبت به آینده خود به این کار ادامه دهند.
فراموش نباید کرد که این کارگران، جزو محروم‌ترین اقشار جامعه به‌شمار می‌روند و شاهدیم که به‌وجود اشتغال خانوادگی در کوره‌ها و در شرایط سخت و طاقت‌فرسای برای تأمین حداقل‌های زندگی با مشکلاتی جدی مواجه‌اند.

رئیس سابق انجمن صنفی کوره‌پزخانه‌های اصفهان

صنف

فعالیت ۷۲۰۰ کوره‌پزخانه در کشور

ساختمان‌سازی را کد است و این رکود یکی از دلایل اصلی رکود در کوره‌پزخانه‌های کشور است. در کل کشور حدود ۷ هزار و ۲۰۰ واحد کوره‌پزخانه فعالیت می‌کند که از این تعداد، حدود ۵۰۰ واحد در تهران واقع شده‌اند. غلامرضا عباسی، رئیس انجمن صنفی کوره‌پزخانه‌های استان تهران، می‌گوید: «از میان حدود ۵۰۰ کوره‌پزخانه در تهران حدود ۳۰ درصد آن فعال هستند، که می‌توانیم بگوییم آنها هم به صورت کامل فعالیت نمی‌کنند بلکه به صورت نیمه‌تعطیل فعالیت می‌کنند. ۲۵ درصد کارگران کوره‌پزخانه دائمی هستند و مابقی کارگران فصلی هستند. کارگرانی که از استان‌های کردستان و آذربایجان برای کار می‌آیند، رئیس انجمن صنفی کارگران کوره‌پزخانه‌های استان تهران با بیان اینکه کارگران کوره‌پزخانه‌ها پس از بیکاری مجبور به فعالیت در مشاغل کاذب هستند می‌گوید: «ساختمان کوره‌ها استاندارد نیست و هر لحظه احتمال ریزش آن‌ها وجود دارد. کسی از کلاه ایمنی و سایر تجهیزات کارگاهی استفاده نمی‌کند. اگر اتفاقی در آنجا بیفتد، خدمات‌رسانی به کارگر مضموم دشوار است.»
با توجه به اینکه سال‌ها از عمر کوره‌پزخانه‌ها می‌گذرد و بسیاری از آن‌ها فرسوده شده‌اند، باید برای تعمیرات و تأسیسات برقی آن‌ها اقدام کرد تا از وقوع حوادث احتمالی جلوگیری شود. در گذشته به دلیل قصور در این خصوص، کارگرانی در آتش کوره سوخته و یا دچار برق‌گرفتگی شده‌اند.

وضعیت نامساعد کوره‌پزخانه‌های بروجرد

رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی بروجرد خبر داده بروز مشکل در فروش محصولات کوره‌های آجرپزی، احتمال بیکاری بخشی از ۲ تا ۳ هزار کارگر فعال در این بخش را به دنبال دارد. کامران فرشید گفت: «با توجه به رکود ساخت‌وساز، احتمال بیکاری برخی از کارگران کوره‌های آجرپزی این شهرستان می‌رود و رکود ساخت‌وساز در سال‌های اخیر افزایش بیکاری در میان مشاغل مربوط به ساخت‌وساز را به دنبال داشته است.» وی تصریح کرد: «بیکاری در کمین کارگران کوره‌های آجرپزی بروجرد است و باید برای جلوگیری از بیکاری کارگران کوره‌های آجرپزی شهرستان بروجرد چاره‌اندیشی کرد.»

۸۰۰ آتشپز

شهرستان‌ها

تفتیده و کمرمقی؛ درانتظارحمایت

گزارشی از وضعیت کوره‌پزخانه‌ها و کارگاه‌های آجرپزی اصفهان



مالک یک کوره‌پزخانه می‌گوید: «فرض که من کارگران را هم بیمه کردم، چه کسی کار و زندگی مرا بیمه می‌کند؟ هر لحظه ممکن است در اینجا بسته شود.»

است، این پسرک چه کار می‌کند. به کوره می‌رسم، جوانی در حالی که بلوکی در دست دارد از کنارم با کلاهی رد می‌شود. برمی‌گردم چند کودک را آنجا می‌بینم که در حال چیدن آجرها هستند، به سمت آن‌ها می‌روم. همه‌شان می‌گویند پول می‌برند برای مادر مریشان! این عجیب نیست. یا قرار است کمک خرج تحصیلشان باشد در مدرسه‌ای که شاید هرگز نرفته‌اند! حساب و کتاب را بهتر از آدم‌بزرگ‌ها بلدند، اما خواندن نمی‌دانند. هرچقدر این محیط زمخت است چشمان آن‌ها درخشش خاصی دارد که بر محیط غالب می‌شود.

برش دوم

مردی همراه پسر برمی‌گردد. حرف‌هایش به گرمی کوره‌هایی است که ما را دربر گرفته‌اند. از کوره‌ها و وضع زندگی این گونه می‌گوید: «این کار آبا و اجدادی ماست، نمی‌توانیم آن را ترک کنیم. کار دیگری هم نیست،» از او در مورد تعداد افرادی که در اینجا کار می‌کنند می‌پرسم، می‌گوید: «اینجا ۲۷ نفر کار می‌کردند ولی الان ۱۷ نفر هستند.» می‌پرسم کودکان را حساب کرده، می‌خندد. حرف را برمی‌گردانم و از او در مورد مشکلاتی که در این سالیان پشت سر گذاشته می‌پرسم. «مشکل؟ همه زندگی ما در خطر گذشته است. ۱۰ سال پیش مقامات استان تصمیم گرفتند هر سال تعدادی از این کوره‌ها را تعطیل کنند، اما

پیش‌بینی

در محدوده شرق اصفهان در مناطق سجزی و دولت‌آباد افرادی در حال کار هستند که این شهر برای آن‌ها طعم گردوخاک و گرمای خورشید و کوره می‌دهد. شرق نصف جهان به‌شدت درگیر حضور کارگاه‌های کوچکی است که منبع درآمد و گذران زندگی کارگران تگ‌دست ایرانی و افغانی هستند. تعیین تکلیف این کارگاه‌ها از جمله کارگاه‌های آجرپزی که از دیرباز اصفهان یکی از قطب‌های آن بوده، می‌تواند بر توسعه پایدار شهر اصفهان اثر بگذارد.

چون جایگزینی برای فعالیت آن‌ها در نظر گرفته نشده بود تنها تعداد انگشت‌شمار از این کوره‌ها به شکل صنعتی درآمدند. اینکه هرروز بیدار شویم و بدانیم احتمال دارد همین‌الان افرادی سر برسند و ما را از نان خوردن بیندازند بزرگ‌ترین مشکل و خطر ماست.» او که گرم صحبت شده ادامه می‌دهد: «یک روز طرح آوردند که ما باید تغییر تکنولوژی بدهیم و گازسوز شویم.

نمی‌دانید پدر ما چقدر ناراحت این موضوع شد و خدایم‌رز چه فشاری را تحمل کرد، اما بالاخره این اتفاق افتاد و حالا به صورت گازسوز محیط کارگاه را می‌چرخانیم.» از او

در مورد شرایط بیمه کارگران می‌پرسم، می‌گوید: «این مکان هزینه‌های خودش را با زحمت درمی‌آورد. کار سختی است که افراد را بیمه کنیم.» می‌گویم هزینه چندانی ندارد که! با این حرف بغضش می‌شکند و با حالت تندّی جواب می‌دهد: «فرض که من این‌ها را هم بیمه کردم، چه کسی کار و زندگی مرا بیمه می‌کند؟ هر لحظه ممکن است در اینجا بسته شود.» با اینکه در سایه هستیم ولی گرمایش از قبل اذیت می‌کند. حرف‌هایم را خلاصه می‌کنم و از او اجازه می‌گیرم که در محیط کارگاه قدم بزنم.

برش سوم

افرادی را که در کارگاه مشغول فعالیت هستند می‌بینم، مشغول

جابه‌جا کردن آجرها هستند. لباس کار ندارند و با مفهوم ایمنی کار بیگانه‌اند، اما موردی که توجهم را جلب می‌کند ملیت آن‌هاست. افغان‌هایی هستند که به اصفهان مهاجرت کرده‌اند. از آن‌ها در مورد شرایط کار و بیمه‌شان می‌پرسم، گویی گوش شنوایی پیدا کرده باشند با زبان درّی قابل فهمشان اینطور پاسخم را می‌دهند: «آقا گفته چون اینجا صنعتی نیست نمی‌توانم شما را بیمه کنم، کار را هم که مشاهده می‌کنید، سختی‌های خودش را دارد.»

برش چهارم

علی‌اصغر دادخواه، مدیرکل تأمین اجتماعی استان اصفهان، با بیان اینکه در حال حاضر آماری دقیق در خصوص افراد بیمه‌شده در کوره‌پزخانه‌ها موجود نیست، به آتی‌نو می‌گوید: «برنامه خاصی برای بیمه این کارگران و افزایش تسهیلات برای بیمه‌شدگان این صنف در حال حاضر وجود ندارد.» اما سعید وحید دستجردی، معاون او، در مورد شرایط بیمه‌شدن افغان‌هایی که در کوره‌های آجرپزی کار می‌کنند می‌گوید: «در بحث بیمه افغان‌ها، لازم است این افراد دو شرط داشته باشند: اول آنکه از استانداری مجوز اشتغال دریافت کرده باشند و دوم محل اسکان آن‌ها مشخص و معین شده باشد.»

برش پنجم

فضل‌الله کفیل، فرماندار اصفهان، در خصوص شرایط ناسامان آجرپزان حاشیه اصفهان و دلیل بالاترکلیفی و نامشخص بودن شرایط حال و آینده این کارگاه‌ها با اشاره به برخی مشکلات زیست‌محیطی که چنین کسب‌وکارهایی برای اصفهان ایجاد می‌کنند می‌گوید: «این صنایع به دلیل اینکه در زمره صنایع آلاینده‌اند، می‌بایست از شهر دور شوند.» او ادامه می‌دهد: «با محوریت محیط‌زیست و دیگر دستگاه‌های متولی، در اولین گام برای ساماندهی این واحدها در سال ۹۴ شروع به گردآوری و مطالعه دقیق اطلاعات و برنامه‌ریزی در جهت اصلاح فعالیت‌ها کردیم. یکی از تصمیم‌هایی که در این باره انجام شده، انتقال تدریجی آن‌ها به خارج از شعاع ۵۰ کیلومتری شهر اصفهان است.» از او در مورد چرایی چنین اقدامی پرسیدم. گفت: «تاکید بر حفظ و حراست از عرصه‌های منابع طبیعی و مقابله با ریزگردها و گسترش بیابان‌ی از وظایف فرمانداری‌هاست و ما به این خاطر به این کار دست زدیم.»

فرماندار اصفهان با بیان اینکه باید آلاینده‌ها را بیشتر از شهر دور کنیم تأکید می‌کند: «از سال ۹۴ هر گونه صدور مجوز بهره‌برداری از معادن و فعالیت دیگر واحدهای مشابه باپسندی تا تأیید محیط‌زیست، منابع طبیعی و خارج از شعاع ۵۰ کیلومتری شهرها انجام گیرد.» از او در مورد وضعیت افرادی که در این کارگاه‌ها مشغول به کار بوده‌اند و این جابه‌جایی‌ها موجب بیکاری آن‌ها شده می‌پرسم. کفیل می‌گوید: «اصفهان یکی از تاریخی‌ترین شهرهای کشور است و به دلیل وجود این کارگاه‌ها آسیب‌های زیادی دیده. این تصمیم ناگزیر بوده و کاملاً درست است. اینکه برخی کارفرماها ترجیح می‌دهند به جای جابه‌جایی، کارگاه را تعدیل کنند و یا خواسته‌های نامعقول دارند نمی‌تواند توجیه این باشد که آینده شهر را به خطر بیندازیم.»

برش آخر

محدوده شرق اصفهان به‌شدت درگیر حضور چنین کارگاه‌های کوچکی است که منبع درآمد و گذران زندگی کارگران تگ‌دست ایرانی و افغانی هستند. تعیین تکلیف این کارگاه‌ها از جمله کارگاه‌ها و کوره‌های آجرپزی که از دیرباز اصفهان یکی از قطب‌های آن بوده، می‌تواند بر توسعه پایدار شهر اصفهان اثر بگذارد. اما وضعیت فعلی به‌خصوص بالاترکلیف بودن و شرایط نامناسب بیمه‌ای کارگران، ایمنی ضعیف محیط کار و حضور پررنگ و نگران‌کننده نیروی کار کودک در این کوره‌پزخانه‌ها مهم‌ترین مسائلی هستند که باید مورد توجه مسئولان و فعالان حوزه کار و تأمین اجتماعی این استان قرار بگیرد تا از مرگ خاموش این کارگاه‌های قدیمی و از آسیب‌هایی که بر روح و روان و جسم کارگران آن‌ها وارد آمده پیشگیری شود.

هنرمندان صنایع دستی نیازمند پوشش بیمه‌ای



ضعف‌های این حوزه نادیده گرفتن شرایط نیروی کار است. افراد فعال در حوزه صنایع دستی از ابتدا تا انتهای تولید در جریان پروسه صنایع دستی قرار دارند. آن‌ها خرید می‌کنند، تولید می‌کنند و سیستم پخش را بر عهده دارند. میزان درگیری افراد در پروسه‌های صنایع دستی بسیار بالاست، اما در مقابل کارگران این صنایع عموماً از چتر پوشش بیمه بی‌بهره هستند.

این اتفاق به چند دلیل رخ داده است؛ اول آنکه عموماً مکان‌های صنایع دستی کارگاه نیستند و حجم عظیمی از صنایع دستی در خانه‌ها تولید و ساخته می‌شوند. مسئله دوم باره پایین اقتصادی صنایع دستی است. برخی قوانین در این زمینه اصلاً

ضعف‌های این حوزه نادیده گرفتن شرایط نیروی کار است. افراد فعال در حوزه صنایع دستی از ابتدا تا انتهای تولید در جریان پروسه صنایع دستی قرار دارند. آن‌ها خرید می‌کنند، تولید می‌کنند و سیستم پخش را بر عهده دارند. میزان درگیری افراد در پروسه‌های صنایع دستی بسیار بالاست، اما در مقابل کارگران این صنایع عموماً از چتر پوشش بیمه بی‌بهره هستند.

یادداشت

مهرداد رحمتی

صنایع دستی در هر جای ایران به‌جز اصفهان کاری زنا نه و شاید عموماً شغل دوم به حساب بیاید، اما اصفهان شهری است که هشته مرکزی بازار آن حول صنایع دستی شکل گرفته است. در نقش جهان آن که گوهر شهر اصفهان است دور تادور بازار صنایع دستی قرار گرفته است. صنایع دستی در اصفهان برخلاف خود عیارت، که هم خانواده صنعت است، به صنعت تبدیل نشده، چراکه ضعف‌های بسیاری در این حوزه رسوخ کرده است. یکی از بزرگ‌ترین